



مدرس‌ان شریف

فصل اول

«کلیات حقوق»

حقوق تجارت

حقوق تجارت مجموعه‌ای قواعدی است که بر روابط بازرگانان و اعمال تجارتي حکومت می‌کند. برخلاف حقوق مدنی که روابط همه‌ی افراد جامعه را شامل می‌شود، حقوق تجارت به وضع قواعدی ویژه برای تجار و اعمال تجاری می‌پردازد. به همین جهت در مواردی که راه حل صریحی در حقوق تجارت پیش‌بینی نشده باشد به قواعد حقوق مدنی (به معنی قواعد عام) مراجعه می‌شود. حقوق تجارت یا حقوق بازرگانی یکی از شاخه‌های حقوق خصوصی است. قواعد تجاری با بررسی شرایط تاجر و فعالیت‌های تجاری به انواع شرکت‌های تجاری و حدود مسئولیت آن‌ها، اقسام اسناد تجاری و نقش آن‌ها در تجارت و توقف و ورشکستگی تاجر و شرکت‌های تجاری می‌پردازد.

کج مثال ۱: کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

- ۱) قواعد حقوق تجارت با بررسی تسریع در امر تجارت نسبت به قواعد حقوق مدنی خاص‌تر است.
- ۲) قواعد تجاری به بررسی شرایط تاجر، فعالیت‌های تجاری، انواع شرکت‌ها و ... می‌پردازد.
- ۳) تصدی حمل و نقل یکی از فعالیت‌های تجاری است.
- ۴) حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و اقسام اسناد تجاری جزء مباحث حقوق مدنی است.

✓ پاسخ: گزینه «۴» اقسام اسناد تجاری و حدود مسئولیت شرکت‌ها مربوط به حقوق تجارت است.

واژه‌ی تجارت و یا بازرگانی در حقوق، دارای مفهومی گسترده‌تر از معنای رایج آن در علم اقتصاد است و نه تنها فعالیت‌های خرید و فروش، بلکه فعالیت صاحبان صنایع، بانک‌داران، بیمه‌گران، حق‌العمل‌کاران، کارگران، دلآلان، مقاطعه‌کاران، متصدیان نمایشگاه‌های عمومی، متصدی حمل و نقل و غیره را در بر می‌گیرد. البته یک سری فعالیت‌ها در اقتصاد، تجاری تلقی می‌شوند ولی در حقوق به علت حکم قانون، تجاری محسوب نمی‌شوند مانند: معاملات غیرمنقول که به استناد ماده ۴ قانون تجارت تجاری نیستند.

۱- بازرگانی

بازرگانی، به داد و ستد کالا یا خدمات دارای ارزش میان شخص حقیقی یا شخص حقوقی گفته می‌شود. به طور کلی هرگونه عملی (قابل سنجش و اندازه‌گیری مادی) را که اشخاص در مقابل کالا یا خدماتی، کالا یا خدماتی را واگذار نموده و هر دو طرف هنگام این عمل راضی باشند، بازرگانی گفته می‌شود. بازرگانی به دو قسمت بازرگانی داخلی و بازرگانی خارجی تقسیم می‌شود. در عرف معمول، به تبادل کالاها یا خدمات، بازرگانی اطلاق می‌شود و برای معامله‌ی بهتر در زمان لازم و محدود نیاز به اطلاعات و مدیریت کردن اطلاعات جهت رسیدن به هدف است. بازرگانی سازوکاری است که هسته‌ی سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد.

۲- شخص حقوقی: تشکیل سازمان یا گروه، بین دو یا چند نفر با اساسنامه یا مرام‌نامه‌ی مشخص به منظور دسترسی به اهداف معینی را گویند که به تأیید مرجع قانونی ثبت محل تشکیل شخص حقوقی رسیده باشد.

۳- شخص حقیقی: شخص حقیقی به شخصی گفته می‌شود که نماینده‌ی خویش باشد و از طرف ارگان خاص و یا مؤسسه‌ای نمایندگی نداشته باشد. به طور کلی در مورد اشخاص حقیقی باید گفت که آن‌ها نماینده‌ی نفع خویش هستند ولی در ارتباط با اشخاص حقوقی شایان ذکر است که این اشخاص به حکم قانون و با رعایت پاره‌ای مقررات توسط اشخاص حقیقی ایجاد می‌شوند و نهایتاً تصمیمات شخص حقوقی توسط مغز متفکر آن یعنی همان شخص حقیقی اتخاذ می‌گردد پس می‌توان شخص حقوقی را سایه‌ای از اشخاص حقیقی دانست. شخص حقیقی به انسان اختصاص دارد که دارای چهار رویداد مهم قابل ثبت است: تولد، ازدواج، طلاق، مرگ.



۴- شاخه‌های فرعی حقوق تجارت:

عبارتند از **حقوق دریایی و حقوق هوایی**. حقوق هوایی از شاخه‌های فرعی حقوق تجارت است، حقوق هوایی (Aviation law) رشته‌ای از علم حقوق است که قوانین و قواعد مربوط به عبور و مرور هواپیماها و بهره‌برداری از هوا و همچنین روابط حقوقی و تجاری ناشی از آن‌ها را بررسی می‌کند. قلمرو حقوق هوایی در بسیاری از موارد با حقوق دریایی تداخل پیدا می‌کند و مقررات مشابهی در این مورد وجود دارد. همچنین به دلیل ماهیت مسافرت‌های هوایی این رشته معمولاً بخشی از حقوق بین‌الملل به حساب آمده و حقوق بین‌الملل هوایی نیز نامیده می‌شود.

علاوه بر این، قواعد و مقررات مربوط به فرودگاه‌ها و مقررات مربوط به حق پرواز و هدایت هواپیما نیز در قلمرو حقوق هوایی قرار می‌گیرد.

سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری

که به اختصار ایکائو نامیده می‌شود بر اساس کنوانسیون شیکاگو ایجاد شده و بسیاری از کشورهای دنیا نیز به آن پیوسته‌اند. ایکائو برای یکسان‌سازی مقررات هوانوردی تلاش کرده و یک نهاد تخصصی سازمان ملل به حساب می‌آید.

قوانین تجاری

۱- **قانون تجارت:** این قانون در ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ در ششصد ماده توسط مجلس شورای ملی تصویب شده و اصول مربوط به معاملات تجاری، دفاتر تجاری، اسناد تجاری و چک، دلالی، حق‌العمل کاری، قرارداد حمل و نقل، قائم مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری، ضمانت، ورشکستگی، اسم تجاری و شخصیت حقوقی را بیان می‌کند. برای تدوین این قانون، بیشتر به قانون تجارت بلژیک و فرانسه مراجعه شده است. (یا به عبارت بهتر ترجمه‌ی قانون تجارت فرانسه است).

۲- **لایحه اصلاحی قانون تجارت:** در سال ۱۳۴۷ مقررات بخش شرکت‌های سهامی قانون تجارت اصلاح و در سیصد ماده مقررات جدیدی برای شرکت‌های سهامی عام و خاص وضع گردید.

۳- **قانون تجارت الکترونیک:** این قانون مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله‌ی آسان و ایمن اطلاعات در واسطه‌های الکترونیکی و با استفاده از سیستم‌های جدید ارتباطی به کار می‌رود (ماده یک قانون تجارت الکترونیک) و در هفدهم بهمن ماه ۱۳۸۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

آئین‌نامه‌ی اجرایی ماده (۲۲) قانون تجارت الکترونیک مصوب سال ۱۳۸۲ متشکل بر ۷۹ ماده می‌باشد.

کج مثال ۲: در کشور ما قانون تجارت الکترونیک در چه سالی و در چند ماده توسط مجلس به تصویب رسیده است؟

۱) ۷۹ ماده - سال ۱۳۸۲

۲) ۸۹ ماده - سال ۱۳۷۲

۳) ۳۷۹ ماده - سال ۱۳۸۶

۴) ۱۰۰ ماده - سال ۱۳۸۵

پاسخ: گزینه «۱» قانون تجارت الکترونیک در سال ۱۳۸۲ در ۷۹ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

۴- **قانون صدور چک:** این قانون که در ۲۳ ماده انواع چک و چگونگی صدور آن‌ها را بیان می‌کند، در سال ۱۳۵۵ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است، سپس قانون «اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب تیر ماه ۱۳۵۵» در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۱۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده و بعد از آن قانون «اصلاح موادی از قانون صدور چک» مصوب ۱۳۸۲/۶/۲ در متن قانون یاد شده اصلاح، الحاق و تلفیق گردیده است.

قواعد حقوق تجارت نسبت به قواعد حقوقی مدنی، قواعدی خاص تلقی می‌شوند. در کنار قواعد عمومی مربوط به اموال و قراردادها، قواعد تجاری با بررسی شرایط تاجر و فعالیت‌های تجاری، به انواع شرکت‌های تجاری و حدود و مسئولیت آن‌ها، اقسام اسناد تجاری و نقش آن‌ها در تجارت و توقف و ورشکستگی تاجر و شرکت‌های تجاری می‌پردازد. تصدی حمل و نقل از فعالیت‌های تجاری است و در مورد مسئولیت‌های متصدی حمل و نقل و آثار و شرایط مختلف حمل و نقل بحث و گفتگو می‌کند.

رشته‌های حقوق دریایی و حقوق هوایی نیز به طور مستقل مطرح می‌شوند. و علاوه بر مسئولیت‌های متصدی به مسائل مربوط به ثبت و تابعیت وسیله حمل و نقل نیز پرداخته می‌شود.

امروزه تجارت الکترونیک در امور تجاری و معاملات، مورد توجه قرار گرفته است که در آن، اطلاعات و تبادل قصد و اراده برای تحقق معاملات تجاری از طریق فناوری اطلاعات و ابزارهای الکترونیکی صورت می‌گیرد.

۵- **قانون تصفیه امور ورشکستگی:** این قانون که در ۶۰ ماده در سال ۱۳۱۸ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است به تصفیه اموال ورشکسته می‌پردازد در نقاطی که اداره تصفیه امور ورشکستگی دایر شده است امر تصفیه ورشکستگی به وسیله‌ی این اداره و طبق مقررات کانون اداره تصفیه ورشکستگی و آئین‌نامه‌ی آن انجام می‌پذیرد.

۱- پیدایش حقوق بازرگانی

رسوم تجاری در زمان‌های قدیم به میزانی از اهمیت نرسیده بود که شکل خاصی از حقوق تجارت را به وجود بیاورد، چنان که شواهد تاریخی نشان می‌دهد فنیقی‌ها و یونانی‌ها دارای چنین رسومی بوده‌اند. در قوانین روم، تجارت بدون رونق و مقررات خاصی بوده است. در واقع پی‌ریزی حقوق بازرگانی را می‌توان در قرون وسطی به ایتالیا که مرکز تجارت اروپا بوده است، نسبت داد. می‌توان گفت که این دوره، دوره‌ی رشد حقوق تجارت و بین‌المللی شدن آن می‌باشد. در فرانسه، اولین قانون مرتبط با حقوق بازرگانی در سال ۱۶۷۳ میلادی در زمان لوئی چهاردهم و بعداً در زمان ناپلئون تکمیل شد. در آلمان از سال ۱۷۱۲ میلادی قوانین تجاری معمول شد. در ایران قانون تجارت جزء حقوق خصوصی و خارج از قوانین مدنی به حساب آمده است اما به دلیل ارتباط تنگاتنگ و وابستگی کامل این دو شاخه از حقوق به صراحت می‌توان گفت در مواردی که قانون تجارت حکم معلومی نداشته باشد، مقررات قانون مدنی به عنوان مقررات عام قابل اجرا است.

۲- تاریخ حقوق بازرگانی در ایران

در کشور ما قانون تجارت، جداگانه تنظیم شده و جزء قوانین مدنی به شمار نیامده است. ولی ارتباط کامل حقوق تجارت با حقوق مدنی به نحوی است که نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا نمود و در هر موردی که صراحتاً در قانون تجارت حکم آن معلوم نشده باشد مقررات قوانین مدنی اجرا می‌شود. قوانین تجاری را می‌توان استثناء بر قوانین مدنی دانست لیکن این استثنائات به قدری قابل اهمیت است که خود، موضوع جداگانه‌ای را به نام قوانین تجاری به وجود آورده است. و در اختلاف و حل و فصل آن‌ها و نیز بستن عقود در امور تجاری به مجمعی از تجار مراجعه می‌شده است و همیشه قبل از مشروطیت، احکام شرعی بر کلیه معاملات و امور اعمال می‌شد و در امر تجارت آداب و رسوم بخصوص رعایت می‌شده است. برای حل و فصل اختلافات، در امور تجاری، و انعقاد قرارداد در امور یاد شده همیشه قوانین شرعی که همان قانون مدنی عمومی بوده رعایت می‌گردیده است.

به طور کلی می‌توان دوران تاریخ حقوقی بازرگانی در ایران را به شکل زیر بیان کرد:

– قبل از مشروطیت: احکام شرعی و قوانین مدنی با منشأ احکام شرعی به عنوان قانون تجارت مورد استفاده بوده است.

– بعد از مشروطیت: قانون تجارت در سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ در ۳۸۷ ماده تصویب شد که به هر حال این قانون مهمترین قانونی است که تا سال ۱۳۱۱ (تصویب قانون تجارت فعلی) بر روابط تجاری حاکم است و عامل مهمی در تفکیک مقررات حقوق تجارت از مدنی به شمار می‌رود.

– اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۱: قانون قبلی نسخ و قانون تجارت جدید مشتمل بر ۶۰۰ ماده جایگزین گردید.

– ۲۴ اسفندماه ۱۳۴۷: لایحه قانونی اصلاحی مربوط به شرکت‌های سهامی در ۳۰۰ ماده تصویب شد که فقط مواد ۱۲ الی ۹۳ قانون تجارت قبلی را نسخ کرد.

۳- مشخصات قانون تجارت ایران

عمده‌ترین مواردی که، قوانین تجاری را از قانون مدنی و سایر قوانین متمایز می‌سازد عبارتند از:

- (۱) وضع مقررات حقوقی درباره تجار.
- (۲) وضع مقررات مخصوص درباره برات، سفته، بورس و سایر اسناد تجاری.
- (۳) تنظیم امور ورشکستگی.
- (۴) وضع مقررات درباره شخصیت‌های حقوقی.
- (۵) تنظیم شرکت‌های تجاری.
- (۶) ایجاد شخصیت‌های حقوقی.

منابع حقوق تجارت در ایران

منابع حقوق تجارت در ایران به شرح ذیل عبارتند از:

۱- منابع رسمی حقوق تجارت که این منبع شامل دو منشأ می‌باشد: (۱-۱) الف: منشأ قانون گذاری (قانونی) (۱-۲) ب: منشأ قضایی (رویه‌های قضایی)

(۱-۱) الف: قانون اساسی

ب: قوانین عادی: که قوانین عادی عبارتند از:

- ۱- قوانین ناشی از قوه‌ی مقننه که قانون تجارت / قانون مدنی / کنوانسیون‌های بین‌المللی از این قبیل هستند.
- ۲- مصوبات مراجع خاص که شامل: الف: مصوبات شورای نگهبان ب: مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۳- تصمیمات هیئت وزیران.

(۱-۲) رویه‌های قضایی: آرا دیوان عالی کشور در باب مسائل حقوق تجارت بسیار نادر است مثلاً دو رأی وحدت رویه‌ی شماره‌های ۲۰۵ و ۵۳۶ که در مبحث مربوط توضیح داده خواهد شد.

۲- منابع خصوصی حقوق تجارت: که شامل عمل فعالان تجاری (تجار) می‌باشد که از آن در اصطلاح به عرف و عادت تعبیر می‌شود و عرف و عادت به دو دسته‌ی عرف و عادت عملی (قراردادی) و عرف حقوقی تقسیم بندی می‌گردد.



اما به طور خلاصه: منابع حقوق تجارت در ایران عبارتند از:

- ۱- قانون تجارت
 ۲- قانون مدنی
 ۳- عرف و عادات تجارتي (رسوم تجارتي)
 ۴- نظریه‌ی علمای حقوق (دکترین)
 ۵- معاهدات بین‌المللی و مقررات اینکوترمز
 ۶- رویه قضایی

الف - قانون تجارت

قانون تجارت کشور ما، شامل ۶۰ ماده بوده که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۱ شمسی به تصویب رسیده، و از اول خرداد ماه همان سال لازم‌الاجراء گردید. با تصویب آن کلیه قوانین (قانون تجارت سال ۱۳۰۳ و ۱۳۰۷ هجری) قبلی نسخ شده که مهمترین مسائل آن در ۱۵ باب، شامل تجار و معاملات تجارتي، دفاتر تجاری، ثبت دفاتر، شرکت‌های تجارتي و اقسام آن و مقررات مربوط به تأسیس و فعالیت و اداره و انحلال آن‌ها، برات، سفته (فته طلب)، چک، دلالی، حق العمل کاری، قرارداد حمل و نقل، ضمانت، ورشکستگی، اشخاص حقوقی، حقوق، وظایف شخص حقوقی، اقامتگاه، تابعیت و مسائل دیگر می‌باشد که با اصلاحاتی که در سال ۱۳۴۷ درباره‌ی شرکت‌های سهامی به عمل آمد نظم و ترتیب آن‌ها به هم خورده است به نحوی که از ماده‌ی ۱ تا ماده‌ی ۲۰ مربوط به سال ۱۳۱۱ می‌باشد و مجدداً از ماده‌ی ۱ تا ۳۰۰ راجع به شرکت‌های سهامی عام و خاص است و سپس از ماده‌ی ۹۴ شروع و به ماده‌ی ۶۰۰ ختم می‌گردد که در بسیاری از موارد، موجب سردرگمی کسانی که با مواد مزبور سر و کار دارند می‌شود. به علاوه در مورد ورشکستگی نیز با سه قانون مواجه هستیم.

۱- قانون تجارت سال ۱۳۱۱ از ماده‌ی ۴۱۲ تا ۵۸۲ که متضمن شانزده باب است.

۲- قانون اداره‌ی تصفیه‌ی امور ورشکستگی مصوب ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۸ که شامل ۶۰ ماده است.

۳- آیین نامه قانون مزبور شامل ۶۷ ماده که به طور منظم تدوین نگردیده و از لحاظ محتوا نیز با هم اختلاف دارد که در جای خود مورد بحث قرار گرفته است.

ب - قانون مدنی

قانون مدنی به لحاظ اینکه اصول و قواعد مربوط به معاملات و عقود و تعهدات را در مواد ۱۹۰ و ماده‌ی ۱۰ و مواد دیگری مورد توجه قرار داده و مسائلی مانند اهلیت، محجورین، تابعیت، اقامتگاه، تعریف اسناد عادی و رسمی، جایگاه آن‌ها و قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی، طرز تنظیم اسناد و قصد و رضای طرفین و اصول حاکم بر شرکت‌های مدنی را مورد توجه قرار داده است و در معاملات تجارتي و شرایط حاکم بر آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد یکی از منابع مهم حقوق تجارت می‌باشد که مجموعه‌ی قانون مدنی در سه دوره‌ی قانون‌گذاری یعنی دوره‌ی ششم، نهم و دهم از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴ به تصویب رسیده است که در زندگی خصوصی و فردی همه‌ی افراد جامعه اعم از تاجر و غیرتاجر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ج - عرف تجارتي

عرف تجارتي و یا بازرگانی به مجموعه‌ی قواعد، نظامات و آداب و رسومی اطلاق می‌شود که در طول زمان و به تدریج در خصوص امری برقرار شده و به صورت عادات و رسوم معمولی بین تجار ایجاد می‌گردد و بین بازرگانان و شرکت‌ها دارای ارزش و اعتبار بوده و همواره مورد علاقه و احترام مردم قرار داشته به همین علت هم دارای اعتبار قانونی می‌باشد و هر جا که در خصوص مسائل تجارتي قانونی وجود نداشته باشد، عرف و عادات به منزله‌ی قانون است و در امور تجارتي دارای اعتبار خاصی است که هم از نظر تجارت داخلی و هم از نظر تجارت خارجی معمول و متداول بوده و مورد احترام و قبول عامه می‌باشد مثلاً عرف تجاری برای پرداخت قیمت کالای X، ۳ روز است حال الف از ب این کالا را می‌خرد بدون اینکه مدت پرداخت پول معین شود از نظر حقوقی عدم تعیین مدت برای پرداخت موجب بطلان عقد می‌شود ولی عرف تجاری جایگزین این سکوت گردیده و اراده‌ی طرفین را نشان می‌دهد و در پاره‌ای از موارد نیز عرف، قوانین را تحت الشعاع خود قرار داده است؛ مانند سفته که در قانون تجارت (فته طلب) نامیده شده ولی در بین عموم مردم اعم از تجار و کسبه و اشخاص عادی با عنوان سفته به کار می‌رود و مورد استفاده قرار می‌گیرد و همچنین چک که در قانون مربوطه جانشین پول نقد می‌باشد. در حقیقت عرف و عادات تجارتي قاعده‌ای است که فعالان تجاری در عمل از آن پیروی می‌کنند بدون آنکه به صورت قانون درآمده باشد که ممکن است به صورت رسم یا عادت یا عرف باشد و باید توجه شود که عرف و عادت جنبه‌ی الزامی و عمومی دارد، پس دارای ضمانت اجرای حقوقی نیز می‌باشد، پس همان گونه که جهل به حکم (قانون) رافع مسئولیت نیست جهل به عرف هم همانطور که گفته شد چنانچه آن را در حکم قانون بدانیم، رفع تکلیف نمی‌کند.

د - نظریه‌ی علماء حقوق (دکترین)

علماء و دانشمندان علم حقوق در تمام رشته‌های حقوقی و در مکاتب و نوشته‌های خود به بحث و بررسی مسائل حقوقی از جنبه‌های مختلف می‌پردازند و نقاط ضعف و قوت و نکات مبهم را تجزیه و تحلیل می‌نمایند، لذا نظارتي را که در این خصوص اعمال می‌کنند می‌توان به عنوان یک منبع حقوقی مورد استفاده و استناد قرار داد، و طبیعی است که حقوق بازرگانی نیز از این قاعده‌ی عمومی و کلی مستثنی نمی‌باشد و اگر اساتید رشته‌ی حقوق بازرگانی هم در مواردی نظریاتی را اعلام نمایند آن نظریات اصولاً به عنوان منبع حقوق بازرگانی می‌تواند مورد استناد قرار گرفته و مبنای صدور حکم قرار گیرد، زیرا،

معمولاً نقطه نظرات اساتید مزبور سنجیده می‌باشد. با پیشرفت‌های جوامع، پدیده‌ها، اوضاع و احوال اجتماعی و زمان و مکان سازگارتر می‌باشد و استفاده از آن‌ها در بسیاری از موارد در رفع اختلافات مؤثر واقع می‌شود و قضات و دادرسان اکثراً دانشجویان اساتید یاد شده بوده‌اند و علی‌الاصول در صدور رأی از نظرات اساتید مربوط یا مطالعات خود از کتب حقوقدانان مذکور استفاده می‌کنند.

هـ - معاهدات بین‌المللی و مقررات اینکوترمز (Incoterms)

با توجه به اینکه حقوق تجارت و مسائل مربوط به آن اختصاص به تجارت خارجی نداشته بلکه در حال حاضر امور مربوط به تجارت خارجی جایگاه خود را داشته و مسئله‌ی واردات و صادرات کالاهای تجاری و غیرتجارتی در بخش دولتی و خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در قراردادهای مختلفی که بین تجار یک کشور با کشورهای دیگر و یا شرکت‌های تجاری چند کشور بسته می‌شود هر یک در قبال دیگری تعهداتی بر عهده دارند. مثل حمل و نقل کالا از کشوری به کشور دیگر یا مسائل مربوط به بیمه‌ی کالا و یا قواعد و مقررات حاکم بر اسناد تجاری مانند برات، سفته، چک، قبض انبار و بارنامه و غیره. بنابراین تعهداتی که طرفین قرارداد با یکدیگر می‌نمایند و به موجب شروط ضمن آن، ملزم به انجام هستند در موارد متعددی مورد قبول تجار و شرکت‌های تجاری قرار می‌گیرد چرا که قوانین تجارت هر کشور اصولاً در محدوده‌ی جغرافیایی آن و بین تجار همان کشور لازم‌الاجراء می‌باشد و در مواردی که مسئله‌ی تجارت بین‌المللی مطرح است هیچ‌یک از طرفین معامله یا قرارداد نمی‌تواند به طور یک جانبه به قوانین و مقررات کشور خود استناد نماید، زیرا طرف دیگر معامله یا قرارداد، تبعه‌ی کشور دیگری است که برای خود قوانین و مقررات دیگری دارد به این جهت از تعهدات بین‌المللی هم به عنوان یک منبع حقوق تجارت استفاده می‌گردد. ضمن اینکه مقررات اینکوترمز که بر مبنای همین معاهدات و عرف بین‌المللی تدوین گردیده در صحنه‌ی تجارت بین‌المللی برای طرفین معامله وظایف و تکالیف و حقوقی معین نموده است که در کتابی تحت همین نام به وسیله‌ی اتاق بازرگانی جهانی در سال ۱۹۳۶ تدوین گردیده و هر ده سال یکبار مورد تجدید نظر قرار گرفته است.

قراردادهای بین‌المللی مانند:

- قرارداد اتحادیه‌ی پاریس در مورد حمایت مالکیت صنعتی و تجاری (مورخ ۲۰ مارس ۱۸۸۳ میلادی).

- قرارداد برن (۱۸۹۰ میلادی) مربوط به حمل و نقل کالا و مسافر به وسیله راه‌آهن.

- قرارداد ورشو (۱۲ اکتبر ۱۹۲۹) و پروتکل اصلاحی لاهه مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۵ (۱۹۲۹ میلادی) مربوط به حمل و نقل هوایی.

- قرارداد ژنو (۱۹۵۶ میلادی) مربوط به حمل و نقل کالا در جاده‌های عمومی.

و - رویه قضایی

در حقیقت به تصمیمات دادگاه‌ها و قضات اعم از قضات دیوان عالی کشور و دادگاه‌های پایین‌تر اطلاق می‌شود که در اختلافات بین تجار و شرکت‌های تجاری به عنوان رأی دادگاه صادر می‌گردد و به دعاوی مطروحه خاتمه می‌دهد اما از لحاظ نوع، اهمیت، ملزم بودن قضات و دادگاه‌ها و مردم به اجرای آن‌ها دارای دو مفهوم خاص و عام می‌باشد.

۱- مفهوم خاص

در این مفهوم رویه قضایی به آرا وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور اطلاق می‌شود که به موجب ماده‌ی ۲۷۰ (قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۱/۲۲)، هرگاه در شعب مختلف دادگاه‌ها در موضوع واحد، آرای مختلفی صادر گردد پرونده در هیئت عمومی دیوان عالی کشور با حضور رؤسا و معاونین و مستشاران شعب حقوقی و کیفری تشکیل می‌گردد، مطرح می‌شود و رأی هر شعبه که مورد تأیید هیئت عمومی قرار گیرد به عنوان وحدت رویه برای کلیه‌ی مراجع قضایی لازم‌الاتباع می‌باشد و به منزله‌ی قانون است. به این جهت آرای وحدت رویه‌ی هیئت عمومی در کلیه‌ی امور کیفری، حقوقی، تجاری و نظامی در حکم قانون بوده و از منابع حقوق محسوب می‌گردد و کلیه‌ی قضات و طرفین دعاوی و وکلای آن‌ها مانند قانون ملزم و مکلف به اجرای آن‌ها می‌باشند به همین جهت جنبه‌ی عام و همگانی دارد.

۲- مفهوم عام

رویه‌ی قضایی در مفهوم عام شامل آرای صادره از دادگاه‌های عمومی، (اعم از بدوی و عالی) و شعب دیوان عالی کشور است که پس از قطعی شدن، فقط درباره‌ی طرفین دعوی و اشخاص ذینفع لازم‌الاتباع می‌باشد و در مواردی ممکن است قضات سایر دادگاه‌ها به آرای مزبور استناد نموده و مبادرت به صدور احکامی بنمایند لیکن برای همه‌ی دادگاه‌ها الزامی نیست و آن‌ها مکلف به تبعیت از آن نمی‌باشند.



آزمون فصل اول

کدام گزینه در مورد حقوق تجارت صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) حقوق تجارت اصول و قواعدی است که روابط و اعمال تجاری بازرگانان را تنظیم می‌کند.
- (۲) حقوق تجارت از شاخه‌های حقوق خصوصی است.
- (۳) حقوق تجارت اخص از حقوق مدنی است.
- (۴) حقوق تجارت مانند حقوق مدنی به بررسی روابط همه افراد جامعه می‌پردازد.

کدام یک از موارد زیر جزو منابع حقوق تجارت محسوب نمی‌شود؟

- (۱) قانون تجارت
- (۲) قانون مدنی
- (۳) قانون مجازات اسلامی
- (۴) مقررات اینکو ترمز

اولین قانون تجارت در ایران، مربوط به کدام گزینه است؟

- (۱) قانون قبول و نکول بروات تجاری
- (۲) قانون تشکیل محاکم تجاری
- (۳) قانون تجارت ۱۳۱۱
- (۴) قانون تجارت ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴

غایت حقوق چیست؟

- (۱) عدالت
- (۲) نظم
- (۳) قانون
- (۴) اصول حقوقی

رفتارهای جمعی که دارای فراگیری قابل توجه، توأم با نوعی الزام می‌باشند را چه می‌نامند؟

- (۱) قانون
- (۲) عرف
- (۳) رویه قضایی
- (۴) دکترین



مدرس‌ان شریف

فصل دوم

«تجار و معاملات تجاری»

❖ تعریف تاجر

ماده ۱ قانون تجارت تاجر را چنین تعریف می‌کند:

« تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار می‌دهد.»

تاجر کلمه‌ای است عربی که معادل فارسی آن بازرگان است. (مخفف بازرگان)

ولی با توجه به اینکه بسیاری از امور تجاری توسط دولت و اشخاص حقوقی انجام می‌شود به نظر می‌رسد شخص حقوقی را هم شامل می‌شود. پس منظور از کسی در ماده ۱ (قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۳) شخص می‌باشد و شخص اعم از حقیقی و حقوقی می‌باشد.

اشخاص	
۱- حقیقی	۲- حقوقی
	۱- حقوقی حقوق عمومی
	✓ دولت و تشکیلات و مؤسسات دولتی مستقل
	✓ شرکت‌های دولتی
	۲- حقوقی حقوق خصوصی
	✓ شرکت‌های تجاری
	■ شکلاً تجاری
	■ موضوعاً تجاری
	✓ تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری

اشخاص حقوقی حقوق عمومی

۱- دولت و تشکیلات و مؤسسات دولتی: این اشخاص حقوقی در قالب شرکت تشکیل نمی‌شوند و علی‌رغم آنکه در بعضی موارد به فعالیت‌های تجاری ذاتی موضوع ماده ۲ قانون تجارت می‌پردازند ولی از آنجا که برای اهداف تجاری به این امور نمی‌پردازند بلکه این اعمال را در راستای اعمال حاکمیتی خود انجام می‌دهند مثلاً ساختن اسلحه در واقع این اشخاص حقوقی تاجر محسوب نمی‌شوند زیرا قصد انتفاع و سود بردن را ندارند.

۲- شرکت‌های دولتی: در حقوق ایران ماده ۴ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ شرکت‌های دولتی را چنین تعریف نموده است «شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه‌ی قانون به صورت شرکت ایجاد می‌شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالحه ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰ درصد سهام آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت دولتی ایجاد شود مادام که بیش از ۵۰ درصد سهام آن متعلق به دولت است، شرکت دولتی محسوب می‌شود». بنابراین شرکت‌های دولتی سه دسته می‌باشند:

۱- شرکت‌هایی که به حکم قانون تأسیس شده و صد درصد سهام آن‌ها به دولت تعلق دارد. ۲- شرکت‌هایی که ملی شده یا مصادره شده و بیش از ۵۰ درصد سهام آن‌ها متعلق به دولت باشد. ۳- شرکت‌هایی که با بیش از ۵۰ درصد سهام متعلق به دولت تأسیس می‌شوند.

با توجه به ماده ۳۰۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت شرکت‌های دولتی تا آنجا که در اساسنامه‌ی آن‌ها قید نشده باشد تابع مقررات شرکت‌های سهامی می‌باشند یعنی شکل شرکت‌های سهامی را دارند و به استناد ماده ۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت بازرگانی تلقی می‌شوند چون ماده ۲ مقرر داشته که شرکت سهامی بازرگانی محسوب می‌شود و لو اینکه موضوع آن امور بازرگانی نباشد.



شرکت‌های دولتی تجاری که به شکل شرکت‌های سهامی فعالیت می‌کنند و غالب اعمال آن‌ها تصدی گرایانه است تاجر محسوب می‌شوند چرا که قصد انتفاع دارند ولی آن دسته از شرکت‌های دولتی که اعمال حاکمیتی انجام می‌دهند تاجر نیستند.

اشخاص حقوقی حقوق خصوصی

۱- شرکت‌های تجاری: شرکت‌های تجاری که در ماده‌ی ۲۰ قانون تجارت انواع آن شمرده شده است به دو دسته‌ی تقسیم می‌شوند ۱- شکلاً تجاری ۲- موضوعاً تجاری. شرکت‌های شکلی آن دسته از شرکت‌هایی هستند که صرف نظر از موضوع فعالیت آن‌ها و بلکه فقط به خاطر شکل آن‌هاست که تجاری محسوب می‌شوند به عبارت دیگر این شرکت‌ها عملیاتشان چه تجاری باشد یا نباشد به حکم قانون تجاری محسوب می‌شوند که شرکت سهامی خاص و سهامی عام به حکم ماده‌ی ۲ لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت شکلاً تجاری می‌باشند. شرکت‌های تجاری موضوعی شرکت‌هایی هستند که شرط تجاری بودن آن‌ها انجام اعمال تجاری یعنی امور مندرج در ماده‌ی ۲ قانون تجارت می‌باشد. در غیر این صورت تاجر محسوب نمی‌شوند. سایر انواع شرکت‌های تجاری یعنی تضامنی، نسبی، با مسئولیت محدود، تعاونی، مختلط (سهامی و غیر سهامی) از نظر موضوعی تجاری محسوب می‌شوند.

* شرکت‌های تجاری چه شکلاً تجاری باشند و چه از لحاظ موضوعی، تاجر می‌باشند و مشمول تعریف مندرج در ماده‌ی ۱ قانون تجارت قرار می‌گیرد.

۲- تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری: این شخص حقوقی که با نام انجمن، بنگاه یا کانون ایجاد و ثبت می‌شود باید ماهیت حقوقی آن را با توجه به موضوع مندرج اساسنامه‌ی آن معین کرد. یعنی در هر مورد باید مشخص شود که شخص حقوقی، تشکیلات غیر تجاری است یا شرکت تجاری. البته پیش‌بینی سود برای تشکیل دهندگان شخص حقوقی ملاک تشخیص نخواهد بود زیرا هم در مورد شرکت تجاری و هم در مورد مؤسسات غیر تجاری جستجوی سود و تقسیم آن بین اعضاء مجاز است. ملاک مهم فعالیت شخص حقوقی است که در مورد مؤسسات غیر تجاری باید عمل غیر تجاری باشد، مانند فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی، ادبی، مذهبی و ... هرگاه پرداختن به این گونه فعالیت همراه با انجام دادن معاملات تجاری باشد این گونه معاملات که فرع بر فعالیت‌های اصلی غیر تجاری آن‌هاست این مؤسسات را تاجر نمی‌کند. به طور مثال یک شرکت نشر محصولات صوتی و تصویری فرهنگی (سی‌دی‌های مذهبی و قرآن و ...) چنانچه برای هدف خود که فرهنگی و مذهبی می‌باشد اقدام به خرید یا فروش نماید (بند ۱ ماده‌ی ۲ قانون تجارت) این عمل که فرع بر فعالیت اصلی مؤسسه‌ی فرهنگی می‌باشد باعث تاجر شدن این شخص حقوقی نخواهد شد.

نکته ۱: ثبت یا عدم ثبت در ایجاد شخصیت حقوقی تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری مؤثر است و ثبت یا عدم ثبت در تاجر شناخته شدن آن اثری ندارد.

مثال ۱: شرکت دولتی ساخت کشتی‌های نظامی، شرکت‌های تجاری و انجمن حمایت از بیماران مبتلا به تالاسمی؟

- (۱) تاجر است، تاجر است، تاجر است.
 (۲) تاجر می‌باشد، تاجر می‌باشد، تاجر نمی‌باشد.
 (۳) تاجر نمی‌باشد، تاجر می‌باشند، تاجر نمی‌باشند.
 (۴) تاجر نیست، تاجر نیست، تاجر نیست.

پاسخ: گزینه «۳» همان طور که ذکر شد شرکت‌های دولتی که اعمال حاکمیتی انجام می‌دهند چون قصد انتفاع و سود بردن ندارند تاجر نمی‌باشند، شرکت‌های تجاری نیز تاجر می‌باشند اعم از اینکه از لحاظ شکل یا موضوع تجاری باشند. تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری نیز با توجه به اینکه برای رسیدن به مقاصد غیر تجاری خود فعالیت می‌کنند تاجر نمی‌باشند و لو اینکه انتفاعی نیز حاصل آید. با این توضیحات ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

مثال ۲: معیار غیر تجاری بودن تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجاری تأسیس می‌شوند؟

- (۱) این است که قصد انتفاع وجود داشته باشد.
 (۲) این است که قصد انتفاع وجود نداشته و انتفاعی هم حاصل نشده باشد.
 (۳) موضوع فعالیت است اعم از آنکه انتفاعی به دست آید یا نه.
 (۴) موضوع فعالیت است خواه آنکه مؤسسه‌ی قصد انتفاع داشته یا نداشته باشد.

پاسخ: گزینه «۴» با توجه به توضیحات ارائه شده ماهیت حقوقی این اشخاص حقوقی با توجه به موضوع مندرج در اساسنامه‌ی آن معین می‌شود اعم از اینکه انتفاعی حاصل آید یا خیر. ولی باید این اعمال تجاری فرع بر مقاصد غیر تجاری باشد تا شخص تاجر محسوب نشود.

اصولاً در حقوق شخص حقیقی و حقوقی با هم تفاوتی ندارند چون ماده ۵۸۸ (قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۳) این مسئله را ذکر می‌کند و شخص حقیقی و حقوقی فقط در بعضی از حقوق با هم متفاوتند که خاص شخص حقیقی است مثل حق ابوت، بنوت، زوجیت و ... اقامتگاه شخصی حقوقی محلی است که اداره‌ی شخصی حقوقی در آنجاست.



تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود. اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است.

ماده ۱ قانون تجارت شناخت تاجر را متوقف بر شناخت اعمال تجاری می‌کند که در ماده ۲ قانون مزبور به آن اشاره شده است. تاجر می‌بایست اعمال تجاری را شغل معمولی خود قرار دهد و «شغل معمولی خود» یعنی اینکه فرد در انجام اعمال تجاری استمرار داشته باشد. هر چند در تمام اوقات و ساعات خود به آن عمل نپردازد. مثلاً پزشکی که فقط عصر روزهای زوج طبابت می‌کند شغل وی طبابت است و نمی‌توان گفت به این کار اشتغال ندارد البته استمرار به معنای تکرار این اعمال نمی‌باشد تکرار این اعمال شرط تجاری تلقی شدن آن‌ها نمی‌باشد و برای اینکه فرد تاجر تلقی شود باید از این طریق امرار و معاش کند و البته در عبارت (شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد) استثنایی است و آن استثناء شرکت‌های تجاری سهامی است که حتی اگر شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار ندهند باز تاجر محسوب می‌شوند.

پس «شغل معمولی» یعنی آنچه کار اقتضا می‌کند یا خود فرد نحوه انجام آن را تشخیص می‌دهد. ولی باید نظم مشخصی داشته و استمرار داشته باشد. بنابراین شخصی که حرفه‌ی معمولی‌اش، اعمال تجاری باشد، تاجر است چه نام او در دفتر ثبت تجاری تحت عنوان تاجر ثبت شده باشد، چه ثبت نشده باشد. دومین نکته در این باب (شغل معمولی) نیاز نیست شغل تجارت شغل انحصاری وی باشد فرد ممکن است چند شغل داشته و انحصاری بودن شغل تجاری هم شرط تاجر بودن نیست. در این مورد شغل اول و دوم و مهم و غیرمهم بودن آن مطرح نیست. مانند کارمند بانک که عصرها به خرید و فروش اتومبیل می‌پردازد.

نکته‌ی مهم دیگر این است که مباشرت در تجارت هم شرط نیست. یعنی اگر اموال خود را در اختیار فردی بگذارد تا او تجارت کند باز هم تاجر محسوب می‌گردد. نکته‌ی دیگر این است که قانون‌گذار ایران، بعضی اشخاص را، حتی با آنکه عمل تجاری انجام نمی‌دهند، تاجر تلقی کرده است، مانند شرکت‌های سهامی ولو اینکه موضوع عملیاتشان امور بازرگانی نباشد.

در امور تجاری مسئله مدیریت است. کسی که مدیریت و لیاقت داشته باشد می‌تواند چندین شغل تجاری را اداره کند، بدون اینکه خود مباشرتاً اعمال تجاری را انجام دهد.

لازم به ذکر است که اگر خود فرد مباشرتاً اعمال تجاری را انجام دهد، سایر افرادی که نزد وی کار می‌کنند تاجر محسوب نمی‌شوند و فقط فردی تاجر محسوب می‌شود که دستگاه تجاری متعلق به اوست و سود و ضرر ناشی از اعمال تجاری نیز متوجه او می‌باشد. پس معاملات و کیل برای موکل، کارگر برای کارفرما، قیم یا ولی برای مولی علیه و مدیر شرکت برای شرکت موجب تاجر شدن این افراد نمی‌باشد. حتی اگر افراد، در درصدی از سود شریک باشند و حقوق ثابت بگیرند یا فقط به صورت پورسانت‌کار کنند. یعنی به میزان فروش و فعالیت درصدی از سود برای آن‌ها باشد.

اضافه بر شرایطی که در فوق برای تاجر شناخته شدن شخص بیان گردید، یکی دیگر از شرایطی که باید مدنظر قرار گیرد این است که اگر شخصی بخواهد تاجر شناخته شود باید از محدودیت‌هایی که مانع تاجر شناخته شدن شخص می‌باشد مبری باشد، که عبارتند از:

۱- محدودیت مربوط به اشخاص: که به موجب برخی قوانین، بعضی اشخاص از اشتغال به تجارت ممنوع هستند. مثلاً موضوع ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران، قانون استخدام قضات (که قضات دادگستری از اشتغال به تجارت ممنوع شده‌اند) ماده ۳۷۶ آیین‌نامه قانون امور گمرکی که کارمندان گمرک را از حق العمل کاری در امور مربوط به گمرک منع کرده‌اند. دکتر ربیعا اسکینی در چنین فرضی، معتقدند که شخص به دلیل انجام دادن اعمال تجاری تاجر تلقی می‌شود و تابع حقوق تجارت است - حتی اگر به موجب قانون از انجام دادن اعمال تجاری ممنوع باشد یا عمل را به صورت پنهان و قاچاق انجام دهد یا به وسیله شخص دیگری که به ظاهر به نام خود و به حساب او عمل می‌کند.

۲- محدودیت مربوط به موضوع: گاهی دولت برخی فعالیت‌های تجاری را خودش بر عهده می‌گیرد و سایر اشخاص را از انجام آن‌ها منع می‌کند. برای مثال: اصل ۴۴ (قانون اساسی)

۳- محدودیت برای تجارت اتباع بیگانه: به موجب ماده ۹۶۱، (قانون مدنی) اتباع بیگانه از اشتغال به تجارت در ایران متمتع (بهره‌مند) هستند، لیکن به موجب برخی قوانین خاص مانند، آیین‌نامه مؤسسات حمل و نقل، ماده ۲ قانون دلان، ماده ۹ قانون هواپیمایی کشوری و از اشتغال به برخی امور تجاری ممنوع می‌باشند.

با توجه به تعریف تاجر در ماده ۱ قانون تجارت مصوب (۱۳۱۱/۲/۳)، برای شناسایی تاجر باید معاملات تجاری را بشناسیم که قانون‌گذار معاملات تجاری را در ۱۰ بند در ماده ۲ قانون تجارت بیان نموده است. با توجه به ماده ۲ قانون تجارت در احصاء و شمارش معاملات تجاری دیگر عرف نمی‌تواند معرفی کننده و تعریف کننده معاملات تجاری به شمار آید و اگر عملی را حتی عرف معامله‌ی تجاری بشناسد ولی در تعریف قانونی ماده ۲ (قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۳) احصاء نشده باشد نمی‌توان آن را جزء اعمال تجاری محسوب نمود.



📌 مثال ۳: مطابق قانون تجارت، تعریف تاجر کدام است؟

- (۱) تاجر کسی است که به خرید و فروش اموال منقول می‌پردازد.
 (۲) تاجر شخصی است که به قصد فروش، خرید نمایند.
 (۳) تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد.
 (۴) تاجر کسی است که به خرید و فروش اموال غیر منقول می‌پردازد.
- ✅ پاسخ: گزینه «۳» طبق ماده یک قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ گزینه ۳ صحیح است. منظور از معاملات تجاری، معاملات ده‌گانه‌ی احصاء شده در ماده ۲ قانون تجارت می‌باشد.

البته در تجارت:

- ۱- شخص ممکن است ضمن انجام امور دیگری به شغل تجارت نیز اشتغال داشته باشد. البته اشتغال، به یک مرتبه خرید یا فروش اطلاق نمی‌شود، بلکه در اثر استمرار و زمانی که انصراف از آن حاصل نشده تاجر خواهد بود.
- ۲- لازم نیست تجارت علنی و تاجر دارای مکان معین و تابلو یا عنوان خاص باشد.
- ۳- مقررات قانون مدنی از لحاظ اهلیت تاجر باید رعایت شود. شخص **مجنون** یا صغیر نمی‌تواند تجارت کند.

تکالیف تاجر در خصوص دفاتر تجاری:

- ۱- ثبت اسم خود در دفتر ثبت تجاری (رجوع کنید به ماده ۱۶ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۳) - نگهداری دفاتر تجاری (رجوع کنید به ماده ۶ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۳)

📌 مثال ۴: شخص مجنون یا صغیر در چه صورتی می‌تواند تجارت نماید؟

- (۱) شخص مجنون مطلقاً نمی‌تواند تجارت نماید، اما صغیر مستقلاً می‌تواند مبادرت به عملیات تجاری بنماید.
 - (۲) قیم آنان نمی‌تواند به نام مجنون یا صغیر تجارت نماید.
 - (۳) هیچکدام مطلقاً نمی‌توانند تجارت نمایند چون تجارت قائم به شخص است.
 - (۴) در صورتی که موضوع تجارت سودآور باشد مستقلاً می‌تواند اقدام نمایند.
- ✅ پاسخ: گزینه «۲» در قانون تجارت ایران شرایط خاصی برای تاجر معلوم نشده است و هرکس می‌تواند به شغل تجارت بپردازد ولی در بعضی ممالک تسهیلاتی برای اشخاصی که به تجارت می‌پردازند قائل شده‌اند مثلاً در فرانسه اشخاص ۲ الی ۳ سال قبل از بلوغ قیم با اجازه ولی و تحت شرایط خاصی می‌توانند تجارت کنند. اما به نظر دکتر اسکینی، قیم نمی‌تواند به نمایندگی از صغیر تجارت کند. (به استناد مواد ۸۵ و ۸۶ قانون امور حسبی معامله‌ی تجاری صغیر ممیز با اذن قبلی ولی و قیم نافذ می‌باشد مع الوصف ولی و قیم نمی‌توانند به نمایندگی از طرف مجبور تجارت کنند).

انواع معاملات تجاری (ماده ۲ و ۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۳)

معاملات تجاری بر سه قسم‌اند: ذاتی، تبعی و حکمی.

معاملات تجاری ذاتی (مطلق / ماهوی یا اصلی) اعمالی هستند که در گردش ثروت دخالت دارند و این فعالیت‌های گردش در یک تقسیم بندی کلی بر چندین نوع تقسیم می‌شوند:

- الف: عملیات تجاری توزیعی: مثل خرید یا تحصیل مال منقول به قصد فروش
- ب: عملیات تجاری تولیدی: مثل تأسیس و به کار انداختن هر گونه کارخانه
- ج: عملیات تجاری خدماتی، مثل: عملیاتی از قبیل دلالی و حق العمل کاری/ عملیات بانکی و صرافی/ یا تصدی به حمل و نقل، تصدی به عملیات حراجی
- در اعمال تجاری ذاتی شخصیت تاجر (معامل) تأثیری در ماهیت این اعمال تجاری ندارد.
- (۱) معاملات تجاری ذاتی معاملاتی هستند که ذاتاً تجاری محسوب می‌شوند در صورتی که شغل شخصی منحصر به یکی از آنها باشد تاجر شناخته می‌شود. قانون تجارت در ماده دوم به تبعیت از قانون تجارت فرانسه معاملات تجاری ذاتی را به ۱۰ مورد تقسیم نموده است.
 - (۲) معاملاتی که به اعتبار تاجر بودن طرفین یا یکی از طرفین، تجاری محسوب می‌شود.
- معاملات تجاری تبعی که در ماده ۳ قانون تجارت بیان شده است.